

تریت صدا و گویندگی

علیرضا معینی

اداره کل پژوهش‌های رادیو

شهریور ۱۳۹۱

تهران

سرشناسه : معینی، علی رضا
عنوان و نام پدیدآور : گویندگی و تربیت صدا/ علیرضا معینی؛ به سفارش اداره کل پژوهش‌های رادیو.
مشخصات نشر : تهران: طرح آینده، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری : ۳۲۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۴۶-۳۵-۲ ریال ۹۰۰۰۰
وضعیت فهرست : فیا
نویسی
موضوع : رادیو - گویندگی
موضوع : تلویزیون - گویندگی
شناسه افزوده : صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران. اداره کل پژوهش‌های رادیو. دفتر پژوهش‌های رادیو
رده بندی کنگره : PN۱۹۹۰ / ۹ / ۱۳۹۱
رده بندی دیویی : ۷۹۱/۴۴۰۲۸
شماره کاتالانسی ملی : ۲۷۷۳۲۸



نویسنده: علیرضا معینی

ویراستار: مراد مهدی‌نیا

حروف‌نگار: صدیقه مرادی

خط و طرح روی جلد: حمیدرضا معینی

ناشر: طرح آینده

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

بها: ۹۰۰۰۰ ریال

تهران، خیابان ولیعصر، خیابان جام‌جم، صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران،

ساختمان شهدای رادیو، تلفن: ۲۲۱۶۷۷۰۸ فکس: ۲۲۶۵۲۳۸۶

هر گونه استفاده کلی منوط به اجازه کتبی از اداره کل پژوهش‌های رادیو است.

فهرست مطالب

دربارهٔ کتاب	۱
مقدمه	۵
پیش‌گفتار	۹
بخش اول: تربیت صدا	۱۷
فصل اول: گویندگی زبان فارسی - گویندگی ایرانی	۱۹
فصل دوم: شگفتی‌های بیان	۲۹
فصل سوم: تسلط بر کلام و بیان	۳۷
فصل چهارم: نرمش‌ها و تمرین‌های تربیت صدا	۴۳
فصل پنجم: صداها - نوفه	۶۱
فصل ششم: سنجش صدا - اخلاق و فن بیان	۶۵
فصل هفتم: محدودیت و ارتفاع صدا	۷۱
فصل هشتم: گوینده و میکروفن - تمرین‌ها	۸۹
فصل نهم: استحکام اندام صدا (داستان‌خوانی)	۹۹
فصل دهم: حجم صدا، عمق صدا و گویندگی رسا	۱۲۱
فصل یازدهم: کوک‌کردن صدا	۱۲۵
فصل دوازدهم: تصحیح بیان حروف - نرمش‌های آرواره	۱۲۹

فصل سیزدهم: تمرین‌های عمومی گویندگان	۱۳۳
فصل چهاردهم: حرکت حروف در گویندگی، لالی‌لا	۱۳۷
فصل پانزدهم: گویندگی حروف بی‌صدا - تمرین‌ها	۱۵۵
فصل شانزدهم: تربیت صدا و شعرخوانی	۱۵۹
فصل هفدهم: اصول علامت‌گذاری متن یا شعر فارسی برای گویندگی ..	۱۷۱
فصل هجدهم: صدای کامل - شعرخوانی	۱۷۵
فصل نوزدهم: به‌کار گرفتن صدای کامل در گویندگی	۱۷۹
بخش دوم: گویندگی	۱۸۹
فصل بیستم: گویندگان	۱۹۱
فصل بیست و یکم: برگزیده نثر معاصر برای گویندگی	۱۹۵
فصل بیست و دوم: ضرباهنگ کلام گوینده	۲۱۱
فصل بیست و سوم: لحن مناسب، رمز گویندگی	۲۲۱
فصل بیست و چهارم: راز معجزه بیان - گویندگی فارسی تبار	۲۲۹
فصل بیست و پنجم: گویندگی در ایران (تغییر چهره و آوازه‌ها)	۲۶۵
فصل بیست و ششم: شخصیت گوینده، ثابت صدا	۲۸۷
فصل بیست و هفتم: گویندگان باید	۳۰۹
فصل بیست و هشتم: طرح درس‌های آموزشی تربیت صدا و گویندگی ...	۳۱۱
فهرست منابع و مآخذ	۳۱۷

درباره کتاب

اداره کل پژوهش‌های رادیو در سال‌های اخیر اقدام به چاپ و نشر آثار ارزشمند کاربردی در حوزه صدا کرده است. این اقدام مورد تأکید معاون محترم صدا جناب آقای صوفی بوده است. ایشان همیشه در مناسبت‌های گوناگون این موضوع را یادآور شدند که برای تربیت نیروی انسانی کارآمد و در نتیجه دستیابی به حداکثر بهره‌وری، نیازمند تولید منابع نظری و در عین حال کاربردی هستیم تا در این رهگذر با برگزاری دوره‌های آموزشی بتوانیم علاقه‌مندان را با دانش تخصصی در زمینه شغلی خود آشنا کنیم.

علیرضا معینی برای رادیویی‌ها چهره‌ای آشناست. من از سال ۱۳۶۴ صدای او را در برنامه‌های مختلف رادیو می‌شنیدم؛ صدایی پرحجم که از زیبایی و لطافت خاصی برخوردار بود و شنونده را تحت تأثیر قرار می‌داد. معینی نه تنها گوینده، بلکه کارشناس گویندگی رادیوست و در تمام طول دوران حضورش در رادیو همواره سعی کرده دانش و تجربیات خود را به نسل جدید منتقل کند. اما آنچه بیش از همه اینها حائز اهمیت است آنکه او آنچه در نظر مطرح می‌شود در عمل به اجرا درآورده است.

او در طی دوره‌های مختلف برگزاری جشنواره رادیو بارها در مقام گوینده برتر شایسته دریافت لوح تقدیر شده است و این امر نشان می‌دهد که علیرضا معینی گوینده‌ای تمام‌عیار است.

این کتاب حاصل سال‌ها تلاش و تجربه او در عرصهٔ گویندگی است. وقتی صفحاتی از کتاب را مطالعه کردم، به نکات بسیار جالبی پی بردم که مطمئن هستم برای شما نیز بسیار جذاب خواهد بود.

معنی معتقد است که اگر کسی بتواند شعر فارسی را به خوبی قرائت کند، در قرائت سایر متون مشکلی نخواهد داشت. در واقع تأکید بر درست‌خوانی شعر فارسی از نکات مهمی است که من در طول دوران حضورم در رادیو بارها از زبان ریاست محترم سازمان صدا و سیما و معاون محترم صدا شنیدم و بر این باورم که این مهارت، شاخصی مهم برای گویندگی در رادیو است.

آنچه در کنار صحیح‌خوانی ارزش می‌یابد، شناخت مخاطب و استفاده از لحن و بیان مناسب در برقراری ارتباط با اوست. بسیاری از ما هنگام شنیدن یک برنامه احساس می‌کنیم که گوینده با ما حرف می‌زند و شاید ما تنها مخاطب او هستیم. این احساسی شیرین است؛ احساسی که در آن نوعی تعامل هرچند مجازی وجود دارد؛ اما در بسیاری موارد، شنونده را در کنار رادیو نگه می‌دارد و او را مشتاق به شنیدن می‌کند. آقای معینی گفت، بهترین خاطره دوران کاری‌اش زمانی رقم خورد که دانشجویی در نمایشگاه کتاب با دیدن او گفت: «صدای شما آسمانی است و من با شنیدن این صدا احساس آرامش خاصی می‌کنم». اینها از لطایف گویندگی است و می‌توان گفت گویندگی هم یک فن است و هم یک هنر و شاید بُعد هنری آن پرنگ‌تر باشد و این همه میسر نمی‌شود مگر با آموختن شیوه‌هایی که بتوان از آن طریق در دل مخاطب جا باز کرد و با او همدلی یافت.

گویندگی در رادیو در سال‌های اخیر شاهد پیشرفت‌های چشمگیری بوده است. امروز به جرئت می‌توان گفت غلط‌خوانی در رادیو به حداقل ممکن

رسیده و به ندرت می‌توان مواردی از آن یافت؛ اما آنچه هنوز جای کار دارد، توجه به تعالی این بخش است. تربیت صدا و گویندگی موفق و کارآمد در عرصه‌های مختلف با توجه به تخصصی‌شدن دنیای مدرن و بالا رفتن سطح توقعات و انتظارات مخاطبان، کار گویندگی را پیچیده و دشوار می‌سازد؛ اما نیروی‌های مستعد و جوان و خلاق اگر مجهز به چنین مهارت‌هایی شوند، تحولی بزرگ در امر برنامه‌سازی رادیو روی خواهد داد؛ آنگونه که امروز شاهد هستیم برخی از پرشنونده‌ترین برنامه‌های رادیو، گوینده‌محور بوده و متکی به قابلیت‌ها و توانمندی‌های گوینده برنامه هستند.

زمانی که پیشهاد تألیف این کتاب از سوی معاون محترم صدا داده شد، از آن استقبال کردم و اینک که کتاب را ورق می‌زنم، آن را کاری ارزشمند و درخور تحسین می‌بینم و امیدوارم که مطالعه دقیق این کتاب و توجه به ظرایف مطرح‌شده در آن، گامی مؤثر در ارتقای دانش و مهارت گویندگی در رادیو باشد. لازم است از آقای معینی که برای تألیف این اثر زمان زیادی را صرف نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی کرده برای ایشان آرزوی توفیق نمایم.

محمد مهدی لسی

مدیرکل پژوهش‌های رادیو

شهریور ۱۳۹۱

مقدمه

خوانش هنری

گفت:

یارب این قاعده شعر، به گیتی که نهاد

که چو جمع شعرا خیر دو گیتیش مباد

گفتنش کنند جان است و نوشتن غم دل

زحمت خواندنش آن به که نیاری در یاد

با این پیش‌نغمه نازینه و رازینه، به سر این سخن می‌شوم که خوانش شعر، هم از دیرباز در عرصه هنر و ادبیات این کهن بوم و بر شاعر، از مقام و مرتبه خاصی مایه‌ور بوده است؛ هم پیش از اینکه نیمای شهید، به درجه امتیاز خوانش شعر اشارت‌ها داشته باشد و بر این اساس از چشم‌اندازی بازتر و نازتر در مسیر خوانش هنری شعر نگاه کرده باشد، این دقیقه یعنی دقیقه درست‌خواندن شعر و ... «زحمت خواندن شعر» در تیررس نگاه هنری مردان و زنان شاعر، قرار داشته است، از پس دو مرحله گفتن و نوشتن.

خوانش شعر، البته پس از وقوع انقلاب ادبی نیمای یوشیج دیگر و دیگرتر شده است؛ با پریشانی منظمی که نیمای نام‌آور، با به‌هم‌ریزی تساوی طوالی مصراع‌ها، به رخ اهل هنر کشید. طول موج صدای شاعر و راوی شعر نیز از

تساوی و نشانه، رها شد و خوانش شعر یا دکلمه آن، و به قول خود نیما «دکلماسیون»، جریان و جان و هیجانی متنوع و ممتاز یافت.

فراز و فرودها، و ایست‌ها و حرکت‌ها و سکوت‌ها و فریادها و هر چه و همه چه از همه جای شعر، در انقلاب ادبی نیما اینک این دم این زمان از لونی دیگر است.

این مطلب خود البته موضوع رسالات خلاصه و خاص است. باری، زحمت خواندن شعر، چنانکه اثیرالدین اومانی یادآور شده است، از دشوارترین آنان و اوقات مسیر سرایش و سازندگی شعر به حساب می‌آمده و می‌آید، تا آنجا که شاعران، راویانی داشته‌اند و راویان، آنان بوده‌اند که شعر شاعران را به سمع پادشاهان و وزیران و بزرگان دربار، و سرانجام به گوش مردم می‌رسانده‌اند، آنان که گویا درست می‌شناختند شعر را و درست می‌خوانده‌اند شعر را با نگاه به دقایق و نکات شعر.

«مَج» راوی شعرهای رودکی، پدر شعر پارسی، یکی از این راویان است. دقیقه خوانش و دکلمه شعر در شعر امروز ایران در قالب نیمایی، آنقدر خاص بوده و هست که گاهی هیچکس نراسیده راوی شعری از شاعران نیمایی باشد؛ آلا همان سراینده و سازنده شعر، و این نوع شعر نو و نوین و نورانی آنقدر زیبا و بشکوه بوده است که هر کس صدایی خوش و خوانا داشته است، به چنین شعری رغبت‌ها نشان داده است.

این قصه و غصه سر دراز دارد ...

دوست هنرمند عزیزم، علیرضا معینی، در دفتری که پیش رو دارید، همه تلاش خود را صرف این نحو و نحوه کرده است که شعر، چگونه و چطور شایسته و بایسته است تا خوانده شود و این دفتر، نخستین تلاش ذوقی و علمی در این راستا و رسته است؛ تلاشی که مبتنی بر این رمز و راز است که

هر شعری درست خوانده شود، درست هم معنی شده و به درک و حس می‌آید.

این رمز که، استادان و مورداران ادب پارسی، پیش از آنکه شعری را - کهن و نو- معنی کنند، می‌باید که و می‌شاید که نحوهٔ درست و راست خواندن شعر را یادآور شوند و در زمره مشق و درس قرار دهند.

علیرضا معینی، هنرمند توانمند عرصه هنر و ادبیات امروز، با ارث پاکی که حنجره شعرزمن او و اوصاف هنرخیز و هنرمندخواه دارد، یکی از راویان هنرمند شعر دیروز و امروز پارسی، به‌ویژه شعر عرصه انقلاب است. حنجره دردمند او تا هم‌اکنون بسیاری از شعرهای فاخر و فرازمند ادب انقلاب را به صحت و اولویت معرفی کرده است و این معرفی درست، مرتبه و مقام «راوی» را برای او ثبت می‌کند. «گذریم و البته نگذریم» که هنوز درست و راست، مرتبه و مقام راویان شعر معاصر، ارزیابی نشده است.

اما علیرضا معینی، از این زاویه و با این ذوق، از شناسایی بی‌نیاز است؛ چرا که، بهترین شعرهای شاعران معاصر را، او معرفی کرده است. همچنان‌که صدای روشن و رؤیان او، بهترین شعرهای شاعران امروز را شناسایی و رصد کرده است.

این مهر و مودت دوسویه، در زندگی هنری و صدای او متجلی است. این دفتر، نخستین دفتر در سلوک گویندگی و شعر و در مرحله دکلمه و خوانش آن، به تلاش، هنرمندی که صدای او به دل‌ها نشسته است، می‌تواند شروعی باشد برای درک دکلمه شعر، در مسیر فهم شعر. اشارت‌های هنرمندانه علیرضا معینی در این رساله، به اهمیت شناخت وزن برای درست و درست‌تر خواندن شعر، از آن دست اشارت‌هاست که در جلد‌های بعدی و

بعدی این رساله می‌تواند گسترش پیدا کند، از بحرِ رملِ مُسدَسِ شمسِ قیس گرفته تا بحرِ هزجِ مُسدَسِ نیمایی و آزاد شعر امروز پارسی. شاید بتوان گفت که:

علیرضا معینی، همه تجربه چندین و چندساله خویش را، از آغاز دهه ۶۰ و از رادیو جبهه تا امروز که دهه ۹۰ است، در این رساله، پیاده کرده است. با این حساب، ما با ذوق تجربی او در این رساله نیز همراه و همدمیم و این ذوق هنرمندانه به مباحث و مسائل علمی گویندگی و اجرا، به‌ویژه خوانش شعر، می‌تواند راه‌ها داشته باشد. امیدواریم پس از این نخستین گام، گام‌های دیگر هم به همت این عزیز هنرمند، برداشته شود.

با درود و دعا - مرتضی امیری اسفندقه

پیش‌گفتار

موضوع گفتار ما در این کتاب، ارائه روشی مطلوب برای گویندگی و اجرا در مقابل میکروفن رادیو، دوربین و صحنه‌های زنده همایش‌ها و کنگره‌هاست؛ چون، رادیو و تلویزیون علاوه بر ابعاد دیگر، مثل معلمانی تلاشگر، سهمی عمده و نقشی مهم و تعیین‌کننده به وسیله گویندگان در امر آموزش لغات و اصطلاحات، به شنوندگان و بینندگان خود بر عهده دارند؛ به همین سبب شاید کم‌ترین لغزش و خطا در بیان و یا تلفظ غلط واژه‌ها از سوی گویندگان، در سطحی وسیع انتشار یافته، غلط مصطلح شده و فراوانی آن، باعث نابودی زبان و فرهنگ جامعه شود.

موجودیت پراچ رادیو و تلویزیون به عنوان دو رسانه جمعی بسیار مهم، در گرو وجود گویندگان کارآموده و مطلع، خوش صدا و خوش سیماست که در کنار تهیه‌کنندگان، نویسندگان، متخصصان فنی و دست‌اندرکاران ساخت برنامه‌ها، نقشی اصلی و اساسی دارند؛ چرا که این گروه از گوینده‌ها با صدا و تصویر خود، نتیجه مدت‌ها اندیشه، تلاش، هزینه و برنامه‌ریزی‌ها را به مردم ارائه می‌کنند. *

گویندگانی که در رادیو یا تلویزیون اشتغال دارند، باید از تخصص‌ها و مهارت‌ها و دیگر الطاف خدادادی لازم بهره‌مند باشند تا بتوانند، هم

به عنوان مکمل کارگروه تولید عمل کرده و هم مردم در سایه این تلاش‌ها و ممارست‌ها، به آگاهی‌هایی که مدنظر است، نایل آیند.

این دفتر، حکم الفبای هنر گویندگی را دارد و هنرآموز گویندگی باید پس از مطالعه الفبا، در تلاش یافتن کلمات و واژه‌ها و جملات باشد، تا در مسئولیتی که بر عهده دارد، به موفقیت لازم دست یابد.

دکتر علی شریعتی در کتاب هنر می‌گوید: «چند علم است که در جامعه مظلوم است؛ مظلوم به این معنا که صاحب ندارد. علت اینکه صاحب ندارد این است که حد و رسمش، معلوم نیست.»

و امروز، چگونگی تربیت صدای گویندگان فارسی‌زبان ایرانی، باید قاعده و رسم معینی پیدا کند. البته صدا و تصویر برای گوینده رادیو - تلویزیون از مواهب خدادادی است و هر کس می‌تواند از آن بهره‌مند باشد. ولی در کنار آن، شرایط و قواعدی وجود دارد که باید از سوی گویندگان مورد توجه قرار گیرد.

اولین و اساسی‌ترین مجوز ورود به استودیو برای گوینده، صدای مطلوب است که در اصطلاح، به «صدای فونیک» معروف است. داشتن صدایی که به گوش شنونده دلنشین باشد، از موهبت‌های ارزشمند الهی است. کم نیستند افرادی که از این سرمایه کم‌نظیر برخوردارند، ولی یا از وجود آن بی‌خبرند و یا به عللی از آن بهره‌ای نمی‌برند؛ اما داشتن صدای خوب به تنهایی برای گوینده کافی نیست. با اینکه فونیک بودن صدا یکی از عوامل مهم گویندگی است، یک گوینده خوب باید علاوه بر داشتن صدای گیرا، دارای استعدادها و آمادگی‌های دیگری هم باشد تا برانده گویندگی شود.

میکروفن، از صدای مردان، کیفیتی و از صدای زنان کیفیتی دیگر ارائه می‌دهد که تهیه‌کنندگان و آنان که صدایی را برای اجرای برنامه تدارک می‌بینند، آن را مدنظر قرار می‌دهند.

گوینده رادیو ضمن کوشش در بهبود صدای خود و برطرف کردن معایب

آن، باید دارای سبک و قالب خاص خود باشد و این شیوه را که یافتن خود و صدای اصلی و حقیقی خود است، عوض نکند تا معروف و معروف سبک خود شود.

می‌توانم بگویم به تعداد انسان‌ها گوینده و به تعداد گویندگان سبک و شیوه خاص گویندگی وجود دارد. از این امتیاز بزرگ و نعمت خداداد که همه انسان‌ها بهره‌مندند، برخی می‌توانند با یافتن خود و صدای بی‌پیرایه و اصیل خود به شیوه منحصر به فردی از اجرا و گویندگی، دست یابند و شنوندگان فقط با شنیدن صدای‌شان آنها را بشناسند و تحسین کنند. اولین درس گویندگی همین است که بیش‌تر مردم می‌توانند به شکلی که خاص آنهاست، صحبت و گاهی گویندگی کنند. شاید مثلاً معلمان ادبیات صحیح‌خوانی و اجرای مناسب را رعایت کنند؛ اما گویندگی در رسانه‌ای که صف اول مخاطبان آن فارسی‌زبانان فرهیخته و فرهنگی و ایرانیانی هستند که رادیو - تلویزیون را همچون دانشگاه می‌دانند، باید گویندگی منحصر به فرد و تحسین‌برانگیز باشد و همه تلاش من تا آخر کتاب، بیان اصول تربیت صدایی زیبا، شورانگیز و متین است که برای آن مشابهی وجود ندارد.

برخی معتقدند که گویندگی در رادیو، ساده‌تر و آسان‌تر از گویندگی در تلویزیون است، در حالی که در رادیو به لحاظ اینکه استفاده بیش‌تری از صدای گوینده می‌شود، نقشی مهم‌تر و حساس‌تر برعهده گوینده گذاشته شده است. گویندگی در رادیو شاید در پاره‌ای موارد مهم‌تر و دشوارتر از گویندگی در تلویزیون است؛ چرا که بیننده تلویزیون هنگام دیدن برنامه، حواس مختلفی را صرف دریافت جنبه‌های مختلف تصویر تلویزیون می‌کند. پس در تلویزیون صدای گوینده در کنار عوامل دیگر قرار گرفته و بیننده را از دقت بیش‌تر به آن تا حدی منحرف می‌کند، ولی در رادیو، تنها صداست که به گوش شنونده می‌رسد. بنابراین، این صدا باید دارای انعطاف و گیرایی باشد تا شنونده دقایق و ساعت‌ها را بدون خستگی، پای رادیو بگذراند.

گوینده، باید مدام در حال تربیت صدایش باشد و ضمن آموختن مهارت‌های گویشی و فنون بیان دلبذیر گویندگی، روزانه ساعت‌ها نرمش صدا انجام دهد و با رعایت بهداشت اندام گویندگی در ورزشی و سلامت صدایش بکوشد؛ و صد البته که اخلاق و ادب گویندگی را در صدا، لحن و بیان خود جلوه‌گر کند. گوینده باید بداند که بیش‌تر مخاطبان رسانه باسواد، فرهیخته و دانا هستند و به آنها احترام بگذارد و دوستان داشته باشد.

نکته دیگر آنکه میکروفن علاوه بر اینکه فرشته افرادی است که به تازگی مشغول گویندگی شده‌اند، دیو آنها هم هست؛ چه، ضمن عشق‌ورزی به آن چنان ترسی از آن دارند که انگار این جسم کوچک بی‌جان، بزرگ‌ترین و پرهیبت‌ترین هیولای ترسناکی است که در مقابلشان قد علم کرده و چنان دلهره و اضطرابی از آن دارند که نمی‌توانند به آن دست بزنند و حتی نگاهش کنند. این ترس، طبیعی است. حتی بهترین سخنرانان و خطیبان و اساتید تئاتر و موسیقی و حتی اهالی اجرا و گویندگان و هنرمندان هم در چند ثانیه اول، اضطراب دارند حتی در صدی از این ترس از آنها هرگز جدا نمی‌شود.

این ترس، اگر پس از سال‌ها کار گویندگی، با درصد بالا وجود داشته باشد، نشان شرایط نامناسب روانی گوینده است. گوینده باید بجایی برسد که اگر هنگام گویندگی، میکروفن وجود نداشته باشد، انگار چیزی را گم کرده است.

همیشه به گویندگان و هنرآموزان کلاس‌های گویندگی می‌گویم:

با میکروفن گویندگی کنید، برای میکروفن گویندگی نکنید.

حافظ علی‌الرحمه می‌گوید: «چون جمع شد معانی، گوی بیان توان زد» و در مقدمه کتاب زیباشناسی سخن پارسی به قلم دکتر میرجلال‌الدین کزازی می‌خوانیم: «راست آن است که هنوز زیباشناسی سخن پارسی، آنچنان که شایسته این ادب گرانسنگ و پهناور است، کاویده و شناسانیده نشده است و کتابی که به روشنی و رسایی، نشانگر ارزش‌های زیباشناختی در سخن پارسی

بتواند بود، به نگارش در نیامده است.

شگفتا بیش از هزار سال بر ادب ایران گذشته است و هنوز ابزارها و شیوه‌های شناخت این ادب به روشنی و بسندگی و کارایی، به‌دست داده نشده است. به سخنی دیگر، ادب پارسی هنوز ناشناخته مانده است.»

اما گوینده

گوینده، هرمند خلاق و بااخلاقی است که، لحنی زیبا دارد، فن بیان را آموخته و آزموده است، و بر ضرباهنگ اجرا و گویندگی انواع نثر و شعر و محاوره به‌ویژه بداهه‌گویی تسلط دارد و آداب گفت‌وگو و شیوه‌های جذب مخاطب را می‌داند.

تربیت صدا برای گویندگی فارسی با همهٔ فسونکاری و دارایی که در ادبیات فارسی موج می‌زند، همواره در سایه و کنار مانده است و گفتار و رفتار گویندگان رسانه‌های غربی را تقلید کرده و آموزش داده‌ایم.

فارسی، زبانی است که پرورده شده است، سرشتِ زیباشناختی یافته و گویندگان هنرمند، برای راه‌بردن به آرمان‌های هنری خویش و آفرینش زیبایی، از آن بهره‌ها برده‌اند.

گویندگی، از زبان آغاز می‌شود، اما در آن نمی‌ماند؛ به فراتر از آن می‌رسد. زبان برای گوینده، مایه و زمینهٔ آفرینندگی است. ادبیات، زبانی است که شورانگیز شده است.

پیام ادبیات فارسی، فزون‌تر و فراتر از آن است که، تنها پیامی برای گفتن باشد؛ راهی به دل نیز می‌جوید. دل را نیز برمی‌افروزد.

فارسی، زبانی است که جادوی هنر، آن را شگفت و شیرین و شورانگیز کرده است و گوینده، چون هنرمندی آفریننده، بهره‌ها از زبان می‌برد. گوینده نمی‌خواهد فقط به یاری کلام، اندیشه‌ای را از ذهنی به ذهنی دیگر برساند.

گوینده، اندیشه‌ای را از ذهنی به ذهن دیگر، اما از راه دل می‌برد. او هنر گویندگی را به یاری انگیزه، می‌پرورد و اندیشه چون با انگیزه پیوست و

به دست هنرمند گوینده‌ای افتاد که با واژگان زیبایی می‌آفریند، پدیده‌ای هنری خلق می‌شود و به این ترتیب است که زبان و کلام، به قلمرو جادویی هنر، راه پیدا می‌کند و از فن فاصله می‌گیرد!

واژگان که کم‌وبیش همانهایی هستند که در گفتار و نوشتار به کار می‌گیریم، در سروده‌های شاعران بزرگ و سخنوران سیرتگ، آنچنان به کار گرفته شده‌اند و به هم پیوسته و سامان گرفته که انگار جان یافته‌اند.

جادوی هنر، مهر خویش را بر این واژگان نهاده است و گوینده باید از راه دل و هنرمندی خویش، اندازه‌آوایی حروف و کلمه‌ها را در ساختار شعر و نثر و انواع نوشته‌های فارسی تعیین کرده و با مکث و تأکید و سکوت و دیگر ابزارهای گویندگی، درآمیزد تا دلپذیر و شنیدنی شود و تقدیم شنونده کند.

واژگان در شعر، به رنگ‌ها می‌مانند در نگاره. شعرهایی که یک‌باره از جوشش‌ها و خیزش‌های درون برخاسته‌اند، با همه برهنگی و بی‌زیوری، سراپا شور و شورشند...

اگر گوینده، زیباشناسی، دستور ادب و قانون‌مندی‌های زبان را می‌آموزد، برای آن است که بتواند از آنها در شناخت شعر و انواع متن بهره جوید و در گویندگی به کار گیرد.

اگر می‌آموزیم که واژه چیست، گونه‌های آن کدام است، فعل است یا فاعل یا جز آن، برای آن است که از این آموخته‌ها بهره بگیریم و بتوانیم درست گویندگی کنیم.

اگر هنجارهای زیباشناختی و کاربردهای ویژه را در ادب می‌آموزیم، برای آن است که بتوانیم آفریده‌های ادبی را بر اساس زیر و بم‌ها و سایه - روشن‌هایی که زبان را سرشت هنری می‌بخشند، تشخیص دهیم و در گویندگی به کار گیریم. البته تنها به آموختن نمی‌توان بسنده کرد؛ در پی آموختن، باید ورزیدنی باشد که با تمرین و تجربه به دست می‌آید.

گوینده باید در آموختن چنان پرورده شده باشد که بتواند آموخته‌هایش را به کار گیرد. آموخته‌ها به یاری پیگیری و تلاش باید آنچنان در ذهن جای گرفته باشند که بتوان بی‌درنگ آنها را پیدا کرد و به زیباترین شیوه به کار گرفت.

استاد ملک‌الشعرا بهار، در کتاب سبک‌شناسی‌اش ضعف نحوه سخن‌گویی ما را امری کلی می‌داند و از ضایع شدن آهنگ صدای ما و وجود الحان عاجزانه و صوت‌های نازک و شکسته‌سته و حروف جویده‌جویده مظلومانه و گاهی حیل‌کرانه در آن، سخن می‌گوید و ادامه می‌دهد: «مردم ما بجای سخن گفتن، ناله می‌کنند»

بهار، در همان اثر گرانمایه‌اش، جوانان و بانوان و همه را دعوت می‌کند تا به «ورزش صدا» بپردازند و طریق سخن‌گویی درست و فصیح را با آهنگ استوار و متین و جذاب بیاموزند. و این مهم از اهداف این نوشتار است، و راستش را بخواهید همین نوشته استاد بهار موجب رنجش بنده در مقام گوینده شد و مرا ملزم کرد تا درباره صدا، لحن، بیان، ضرباهنگ و احساس، پژوهش کنم و به یاری صداپیشگان و اهل قلم و رسانه، شاعران، دوستان و حمایت مدیران صدا و سیما علی‌الخصوص جناب آقای صوفی، معاون محترم صدا، اصول تربیت صدا را بنویسم. همچنین از رهنمودهای ارزنده دکتر محمد مهدی لیبی مدیرکل پژوهش‌های رادیو و مهربانی‌های سایر همکاران بسیار سپاسگزارم.

کسانی که به اقتضای حرفه خود، با سخن گفتن و بیان سروکار دارند، باید توجه جدی و اساسی به پرورش و تربیت صدا و بیان خود نشان دهند، به‌ویژه گویندگان که مهم‌ترین جنبه کار آنها، نرمش و ورزش هر روزه و مدام است؛ به‌خصوص، نرمش‌های خاص قبل از اجرا، که در هر رده و تجربه‌ای که باشند، قبل از ورود به استودیو ضروری است.

اغلب گویندگان خوش‌صدا، قادر نیستند به نحوی کارا و ماهرانه، از

صدای خود استفاده کنند و شاید به علت کار زیاد و تکراری، یا نداشتن علاقه و انگیزه و بی توجهی به معنای آنچه می‌گویند، اجرایی خوب ندارند.

پرورش صدا و بیان، به تمرین و نرمش ختم نمی‌شود. بیان خوب، با دانش ما از زبان و نیز با دانش ما نسبت به آنچه بیان می‌کنیم، ارتباطی اساسی دارد. صدا و بیان انسان، محصول عوامل مختلف، همچون چگونگی اقدام‌های گفتار و تنفس، شخصیت گوینده، وضع آموزش و پرورش و وضعیت و پایگاه اجتماعی گوینده است. بیان هر کس، با آگاهی و احساس او به آنچه می‌گوید ارتباط مستقیم دارد. هر چه آگاهی و احساس شما به آنچه می‌گویید بیش‌تر و عمیق‌تر باشد، بیان شما دقیق‌تر و مؤثرتر خواهد بود. به عبارت دیگر، صدای شما هر چه کامل و دارای تونی گرم و دلنشین باشد، تا زمانی که با آگاهی کافی و احساسی نیرومند نیامیزد، نمی‌تواند گفتاری دقیق و مؤثر ارائه کند.

امیدوارم این اقدام اول در تربیت صدای گویندگان و مجریان و گزارشگران فارسی‌زبان به همت گویندگان و کارشناسان و اهل صدا تکمیل گردد و کاستی‌های آن تأمین شود.

علیرضا معینی

تابستان ۱۳۹۱